

## بحران تایوان و تاثیر آن بر روابط چین و آمریکا از سال (۲۰۱۶-۲۰۲۳)

(۲۰۲۳)

نویسنده: محمد ادریس هاشمی

پوهنتون راه ابریشم، کابل، افغانستان

نشانی برقی: [edrishi021@gmail.com](mailto:edrishi021@gmail.com)

### چکیده

مسئله تایوان در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین محورهای تنش در روابط میان ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین تبدیل شده است. هرچند اختلاف دو کشور بر سر جایگاه تایوان پیشینه‌ای طولانی دارد، اما از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ با تشدید رقابت‌های راهبردی، اهمیت این تحقیق بیش از پیش افزایش یافته است. این تحقیق با هدف بررسی تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا و تحلیل پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن انجام شده است. پرسش اصلی تحقیق این است که بحران تایوان چه تأثیری بر روند و ماهیت روابط دو کشور در این دوره داشته است. فرضیه تحقیق بیان می‌کند که این بحران موجب تشدید رقابت راهبردی، افزایش تنش‌های سیاسی و امنیتی، تقویت حضور و آمادگی نظامی، گسترش سیاست‌های بازدارندگی، تشدید رقابت‌های فناورانه و افزایش بی‌اعتمادی متقابل شده است؛ با این حال وابستگی متقابل اقتصادی مانع قطع کامل روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور گردیده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تبیینی، بر پایه نظریه واقع‌گرایی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، اسناد رسمی، گزارش‌های راهبردی و داده‌های آماری انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بحران تایوان به یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده روابط چین و آمریکا تبدیل شده و نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو کشور ایفا کرده است. همچنین، استمرار رقابت قدرت‌های بزرگ نشان می‌دهد که این بحران همچنان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر روابط پکن و واشنگتن و بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد بود.

**اصطلاحات کلیدی:** آمریکا، چین، تایوان، هژمونی، نظم اقتصاد بین‌المللی.

## The Taiwan Crisis and Its Impact on China-U.S. Relations (2016 –2023)

Author: Mohammad Edris Hashimi

Rahe Abrishum University, Kabul, Afghanistan

Email: [edrishi021@gmail.com](mailto:edrishi021@gmail.com)

### Abstract

The Taiwan issue has become one of the most significant sources of tension in relations between the United States and the People's Republic of China in recent years. Although the disagreement over Taiwan's status has a long historical background, its importance has increased significantly due to the intensification of strategic competition between the two countries from 2016 to 2023. This study aims to examine the impact of the Taiwan crisis on China-U.S. relations and to analyze its political, security, and economic consequences. The main research question is how the Taiwan crisis has affected the nature and trajectory of relations between China and the United States during this period. The study hypothesizes that the crisis has intensified strategic rivalry, increased political and security tensions, strengthened military presence and preparedness, expanded deterrence policies, intensified technological competition, and deepened mutual distrust. Nevertheless, economic interdependence has prevented a complete economic decoupling and the cessation of bilateral trade and economic cooperation. This research adopts a descriptive-analytical method with an explanatory approach, based on the theory of realism, and draws upon library sources, official documents, strategic reports, and statistical data. The findings indicate that the Taiwan crisis has become one of the principal factors shaping China-U.S. relations and has played a significant role in influencing the political, security, and economic policies of both countries. Furthermore, the continuing rivalry between the major powers suggests that the Taiwan crisis will remain a key factor affecting relations between Beijing and Washington, as well as regional and international political, security, and economic dynamics.

**Keywords:** United States, China, Taiwan, Hegemony, International Economic.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد و على آله و أصحابه أجمعين.

بحران تایوان یکی از مهم ترین مسائل ژئوپلیتیکی در روابط چین و ایالات متحده است که ریشه آن به ۱۹۴۹ بازمی گردد، اما از سال ۲۰۱۶ با تشدید رقابت های راهبردی وارد مرحله جدیدی شد. چین تایوان را بخشی از قلمرو خود می داند، در حالی که تایوان دارای نظام سیاسی مستقل است و این موضوع زمینه ساز تنش میان پکن و واشنگتن شده است (Buzan 2010). در سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳، افزایش حضور نظامی چین در اطراف تایوان، فروش تسلیحات آمریکا و گسترش همکاری های واشنگتن و تایپه موجب تشدید رقابت و نگرانی های امنیتی در شرق آسیا و اقتصاد جهانی شد (Kelly, 2014; Liu, 2022). در دوره پس از جنگ سرد، آمریکا با سیاست مهار چین به ویژه در دوران ترامپ از طریق تحریم های تجاری، محدودیت های فناوری و همکاری نظامی با تایوان، رقابت را تشدید کرد. در مقابل، چین نیز با اقدامات نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی در پی جلوگیری از استقلال تایوان بوده است (Gilpin, 1981; Keohane, 1984; Tsai, 2021). با توجه به اهمیت راهبردی تایوان، این تحقیق به بررسی تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا در سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ و تحلیل پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی آن می پردازد.

این تحقیقات نظر به موضوع آن از روش توصیفی - تحلیلی بهره می گیرد، ابزار جمع آوری اطلاعات برابر اقتضای طبیعی این گونه تحقیق، عمدتاً کتابخانه ای است؛ یعنی برای جمع آوری مطالب و داده ها از کتب، مقالات، سایت های معتبر و اسناد تاریخی موجود در کتابخانه ها استفاده گردیده است، البته آثار ارزنده محققین در منابع اینترنتی هم از نظر دور نمانده و در مواردی از این منابع نیز استفاده گردیده است.

پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا همواره نگران رشد هژمونی منطقه ای رقبا بوده است و رشد اقتصادی و نظامی چین یکی از مهم ترین دغدغه های این کشور محسوب می شود. چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، نقش مهمی در تجارت جهانی ایفا کرده و بسیاری از شرکت های آمریکایی به زنجیره تأمین محصولات چینی وابسته اند. از سوی دیگر، توسعه ی توان

نظامی پیشرفته و گسترش توانمندی هسته‌ای چین، این کشور را به رقیبی جدی برای آمریکا تبدیل کرده است. علاوه بر آن، تفاوت‌های ایدئولوژیک میان نظام کمونیستی چین و دموکراسی آمریکایی، تنش‌های سیاسی و اقتصادی بین دو کشور را تشدید کرده است (سلیمان‌پور، ۱۳۹۳: ۱۲۰). از دوران ریاست جمهوری بوش و اوباما تا ترامپ و بایدن، آمریکا با رویکردهای متفاوت تلاش کرده است تا نفوذ چین را محدود سازد. اوباما با سیاست «محور به آسیا» و ترامپ با جنگ تعرفه‌ای و افزایش بودجه نظامی، درصدد مهار رشد اقتصادی و نظامی چین بودند. در مقابل، چین با شتاب اقتصادی، تقویت توان نظامی و بلندپروازی‌های منطقه‌ای خود، نقش فعالی در شکل‌دهی به نظم منطقه‌ای ایفا کرده است. یکی از مهم‌ترین محورهای تنش میان چین و آمریکا، مسئله تایوان است. پس از جنگ داخلی چین در ۱۹۴۹، دولت جمهوری چین در تایوان مستقر شد و چین همواره این جزیره را بخشی از خاک خود می‌داند. آمریکا هرچند سیاست «چین واحد» را پذیرفته، اما حمایت سیاسی و نظامی خود از تایوان را ادامه داده و روابط راهبردی با این جزیره را (این حمایت، موقعیت آمریکا در Yu, Miaojie & Rui Zhang, 2022; 12 تقویت کرده است) منطقه آسیای جنوب شرقی را ارتقا داده و در مقابل، چین آن را خط قرمز خود می‌داند. تحولات اخیر، از جمله فروش تسلیحات توسط آمریکا و اظهارات رهبران چین درباره بازپس‌گیری تایوان چنان ادامه دارد و احتمال برخورد استراتژیک به زور، نشان می‌دهد که تنش‌ها در این منطقه هم بین دو کشور را افزایش می‌دهد. تحقیق حاضر که بحران تایوان و تأثیرات آن بر روابط ایالات متحده آمریکا و چین که کمتر در مورد تایوان و چین کار شده و از این بعد تا فعلاً تحقیق کامل و جامع صورت نگرفته که به بررسی رابطه چین و آمریکا از منظر بحران تایوان بپردازد؛ در این تحقیق قرار است موضوع بصورت جامع کامل موارد بررسی قرار بگیرد، و هم چنان از آنجایی که یک از مسائل مهمی که آینده نظام بین‌الملل را شکل می‌دهد توجه به مسئله تایوان بین چین و آمریکا است و باید این مسئله خوب ارزیابی گردد و یک ضرورت تحقیقی است که باتوجه به تحولات نظام بین‌الملل به خصوص بعد از روی کار آمدن ترامپ روی این مسئله تحقیق انجام می‌شود. بررسی و تحلیل تأثیر بحران تایوان بر روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳، با تمرکز بر عوامل شکل‌گیری و تشدید بحران، نقش ایالات متحده آمریکا، جایگاه تایوان در سیاست‌های چین و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن بر روابط دو کشور. بحران تایوان در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ چه تأثیری بر روابط سیاسی، امنیتی و

اقتصادی میان جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا داشته است؟ تحقیقات متعددی درباره روابط چین و ایالات متحده آمریکا و مسئله تایوان انجام شده است. دهشیر (۲۰۱۷) بیان می‌کند که اهداف اصلی آمریکا در آسیای شرقی شامل حفظ منافع امنیتی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجاری و حمایت از هنجارهای بین‌المللی است. سجادپور (۱۴۰۰) نیز روابط چین و آمریکا را یکی از پیچیده‌ترین روابط نظام بین‌الملل دانسته و قدرت‌یابی چین را مهم‌ترین چالش سیاست خارجی آمریکا معرفی می‌کند. حیدری و خانی (۱۳۸۹) راهبرد آمریکا در قبال تایوان و واکنش چین را بررسی کرده و به سیاست ابهام راهبردی چین، تلاش کشورهای منطقه برای ایجاد موازنه قدرت و نقش آمریکا در حفظ توازن منطقه‌ای پرداخته‌اند. همچنین رستمی، یزدانی و وثوقی (۱۳۹۷) با تکیه بر نظریه واقع‌گرایی، افزایش قدرت نظامی چین را عامل تشدید رقابت راهبردی و معمای امنیتی در منطقه می‌دانند. زارعان، دعاگوی و روزبهرانی (۱۴۰۲) نشان می‌دهند که تقویت روابط آمریکا با تایوان و فروش تسلیحات، موجب افزایش تنش با چین شده و مدیریت این وضعیت نیازمند رویکردهای دیپلماتیک است. بارتش و استانزرت (۲۰۱۷) نیز سناریوهای مختلف روابط چین و آمریکا از جمله رقابت، همکاری، جدایی اقتصادی و توازن قدرت را بررسی کرده‌اند. والتز (۲۰۰۸) نیز رقابت میان چین و آمریکا را از منظر نظریه واقع‌گرایی، نتیجه طبیعی تلاش دولت‌ها برای افزایش قدرت و امنیت می‌داند. بررسی این تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات به صورت جداگانه به روابط چین و آمریکا، سیاست آمریکا در قبال تایوان یا رقابت‌های ژئوپلیتیکی پرداخته‌اند. با این حال، تحقیق جامعی که تأثیر بحران تایوان بر روابط چین و آمریکا را در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ از ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی بررسی کند، کمتر انجام شده است. از این رو، تحقیق حاضر با تمرکز بر این دوره زمانی، درصدد تبیین نقش بحران تایوان در شکل‌دهی روابط دو کشور و تکمیل خلأ موجود در ادبیات تحقیق است.

## ۲. رقابتی شدن روابط چین و آمریکا در دوره دولت دونالد ترامپ

رقابت بین چین و ایالات متحده آمریکا در دوره دولت ترامپ به شدت افزایش یافت؛ و به یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد. در این دوره، دولت ترامپ سیاست‌های تهاجمی‌تری را در قبال چین اتخاذ کرد که شامل اعمال تعرفه‌های سنگین بر کالاهای چینی و محدودیت‌های تجاری بود. این اقدامات به منظور مقابله بانفوذ اقتصادی و تکنولوژیکی چین و حفظ برتری اقتصادی و نظامی آمریکا انجام شد (پور، سجاد، ۱۳۸۵: ۲۸۴ - ۲۸۸).

علی‌رغم اظهارات مثبت و تلاش‌های دیپلماتیک برای کاهش تنش‌ها، چین همچنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های استراتژیک برای ایالات متحده آمریکا در آینده باقی ماند. رهبران چین نسبت به سیاست‌های آمریکا خوش‌بین نیستند و این نگرانی‌ها به دلیل رقابت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی بین دو کشور است. ایالات متحده آمریکا خود را به‌عنوان یک قدرت آسیایی نیز می‌بیند و به مسائل مربوط به این منطقه توجه ویژه دارد. این توجه به دلیل اهمیت استراتژیک و اقتصادی منطقه آسیا - پاسیفیک برای منافع ملی آمریکا است. رقابت استراتژیک چارچوبی است که ایالات متحده آمریکا از طریق آن به روابط خود با جمهوری خلق چین (PRC) نگاه کند. ایالات متحده روابط خود را با چین از موضع قدرتی که در آن ما با متحدان و شرکای خود برای دفاع از منافع ارزش‌های خود از نزدیک همکاری می‌کنیم، بررسی خواهد کرد (Ross, 2013:24-29). ما منافع اقتصادی خود را پیش خواهیم برد، با اقدامات تهاجمی و قهری پکن مقابله خواهیم کرد و مزیت‌های نظامی کلیدی و مشارکت‌های امنیتی حیاتی را حفظ خواهیم کرد؛ دوباره قویاً در سی‌ام سازمان ملل شرکت خواهیم کرد و زمانی که مقامات جمهوری خلق چین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را نقض می‌کنند، در مقابل پکن خواهیم ایستاد. زمانی که به نفع ما باشد، ایالات متحده دیپلماسی مبتنی بر نتیجه را با چین در مورد چالش‌های مشترک مانند تغییرات آب‌وهوا و بحران‌های بهداشت عمومی جهانی انجام خواهد داد. برنامه‌های کمک‌های ایالات متحده آمریکا به چین با دستورکنگره بر شش حوزه اصلی تمرکز دارد: حمایت از تلاش‌ها برای حفاظت و حفظ و فرهنگ تبتی و ارتقای معیشت پایدار و ادغام بازار در جوامع تبتی؛ ایجاد ظرفیت محلی در جوامع هدف تبت برای ارزیابی مسائل مدیریت منابع طبیعی و حفظ مناسب گزینه‌های معیشتی مبتنی بر منابع طبیعی؛ پیشبرد معیارها و حفاظت‌های زیست‌محیطی و اصلاحات مبتنی بر بازار برای حمایت از محیط‌زیست؛ پیشبرد حاکمیت قانون و حقوق بشر؛ مقابله با تهدید بیماری‌های همه‌گیر؛ و پرداختن به قاچاق مواد مخدر که در درجه اول بر فنتانیل و مت‌آمفتامین، آنالوگ‌های آن‌ها و مواد شیمیایی پیش‌ساز تمرکز دارد. بعد از اقتصادی رقابت ایالات متحده آمریکا و چین بسیار مهم است. دولت بایدن-هریس قاطعانه متعهد به مقابله با اعمال سوء، ناعادلانه و غیرقانونی جمهوری خلق چین است. سیاست‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا با سرمایه‌گذاری در خانه و محافظت از کارگران و مشاغل آمریکایی آغاز می‌شود. ایالات متحده آمریکا قاطعانه متعهد به حفظ برتری خود با سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری‌های علمی ایالات متحده بدون حمایت از فعالیت‌های مخرب

جمهوری خلق چین است. ما با متحدان دموکراتیک در سطح جهان همکاری خواهیم کرد تا یک دستور کار مشترک برای عقب‌نشینی از شیوه‌های اقتصادی سوءاستفاده و اجباری جمهوری خلق چین در فضای تجاری، در فضای فناوری و در رابطه با حقوق بشر ایجاد کنیم (Buzan, 2010:30).

32-). در دوره ریاست جمهوری جورج بوش، سه گفتمان اصلی در مورد چین مطرح بود که هر کدام دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به رشد و نفوذ چین داشتند. این گفتمان‌ها شامل اخطار گرایان، ادغام گرایان و ترکیبی از هر دو بودند. اخطار گرایان معتقد بودند که رشد چین خطری جدی برای امنیت و منافع ملی آمریکا است. از نظر این گروه حاکمیت کمونیست‌ها در چین و تلاش برای گسترش قدرت نظامی، تهدیدی برای امنیت آمریکا به حساب می‌آید؛ و بر این باور بودند که چین به دنبال تغییر نظم جهانی به نفع خود است و باید با اقدامات پیشگیرانه و تقویت توانمندی‌های نظامی و اقتصادی آمریکا، جلوی این تهدید را بگیرد. ادغام گرایان، بر این باور بودند که بهترین راه مدیریت مسائل چین و آمریکا، همکاری و ادغام اقتصاد و سیاست چین در نظام سیاسی اقتصادی بین‌الملل است. آن‌ها معتقد بودند که در خصوص مسائل نظامی، آمار مربوط به بودجه نظامی چین اغراق شده و تمام توجه نظامی چین متمرکز بر قضیه تایوان و نه برخورد نظامی با آمریکاست. این گروه بر اهمیت تجارت و سرمایه‌گذاری مشترک با چین تأکید داشتند و معتقد بودند که تعامل اقتصادی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات جهانی منجر شود (zhinqun; 2006, 267-269). گفتمان سوم ترکیبی از ادغام گرایی و اخطار گرایی بود. این گروه معتقد بود که ادغام گرایی در عمل انجام گرفته به ویژه در سطح اقتصادی؛ اما این ادغام گرایی با اخطار گرایی همراه بوده است و آمریکا نسبت به سیاست‌های چین دغدغه‌هایی دارد. آن‌ها به این باور بودند که باید با چین به صورت واقع‌گرایانه برخورد کرد و سیاست‌های مناسبی برای مدیریت روابط با این کشور اتخاذ شود. چین همواره نسبت به اقدامات و سیاست‌های آمریکا در قبال خودنگران بوده و سعی کرده است تا از طریق تعامل و ادغام اقتصادی و سیاسی، تنش‌ها را کاهش دهد و دستاوردهای خود را حفظ کند (Alan Crawford, Jarrell Dillard, Helene Fouquet, and Isabel Reynolds; 2012, 2-4).

### ۳. جایگاه تایوان در روند تشدید اختلاف‌های آمریکا و چین

اختلافات سیاسی بین چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی مهم هستند و ایالات متحده از تایوان پشتیبانی می‌کند. این اختلافات می‌تواند منجر به تحریم‌های اقتصادی و سیاسی شدید شود (Nanto & manyin, 2010: 1-2). نگاه هژمونیک ایالات متحده آمریکا به معنای تلاش برای گسترش نقش رهبری و

نفوذ خود در جهان در جنبه‌های نظامی، اقتصادی، فناوریانه و سیاسی است. این نگاه به آمریکا امکان می‌دهد تا از طریق قدرت نظامی، اقتصادی، فناوریانه و سیاسی خود بر تحولات جهانی تأثیر بگذارد و منافع ملی خود را حفظ کند. رقابت با چین در این جنبه‌ها یکی از چالشی‌های اصلی ایالات متحده در سیاست خارجی و امنیت ملی است. چین در سال‌های اخیر با سیاست‌های اقتصادی متنوع و پیچیده به توسعه اقتصادی خود ادامه داده است. این سیاست‌ها شامل تحریم‌های اقتصادی، تعادل بین تولید و درآمد، و توسعه صنعتی سنتی و نوین می‌شوند. همچنین، چین در تلاش برای افزایش قایت سیاسی خود در بین کشورها، به اقداماتی نظیر توسعه تجارت بین‌المللی و افزایش سیاسی خود پرداخته است. چین به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه آسیا-پاسفیک است. این کشور با تقویت روابط با کشورهای همسایه، توسعه ی پروژه‌های زیرساختی مانند ابتکار کمربند و جاده سعی دارد تا قدرت اقتصادی و سیاسی خود را در منطقه تقویت کند. ایالات متحده نیز با تقویت ائتلاف‌های نظامی و اقتصادی با کشورهای منطقه مانند جاپان، کوریای جنوبی و استرالیا، به دنبال، مقابله با نفوذ چین است (Morrison; 2018, 137 – 140).

#### ۴. تبدیل شدن تایوان به نقطه ای از اختلاف بین چین و آمریکا

تایوان از زمان جنگ جهانی دوم به یکی از نقاط حساس و مورد اختلاف بین چین و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. این جزیره از نظر تاریخی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی اهمیت زیادی برای هر دو کشور دارد. تایوان در موقعیت جغرافیایی بسیار حساس و استراتژیکی در منطقه آسیا-پاسفیک قرار دارد. این جزیره به عنوان پل ارتباط بین چین و اقیانوس آرام عمل می‌کند و کنترل آن برای هر دو کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است، راه‌های تجاری و نظامی تایوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای دریایی جهان است که حجم زیادی از تجارت جهانی از طریق آن عبور می‌کند (Hart, Melanie, Economy, Elizabeth C. and Gewirtz, Paul, 2017:47). واپایش تنگه تایوان برای چین و آمریکا بسیار با اهمیت است و این مسئله باعث افزایش تنش‌ها بین دو کشور شده است. ایالات متحده آمریکا در طول جنگ داخلی چین (۱۹۴۶-۱۹۴۹) به نسبت زیادی به ناسیونالیست‌هایی که به رهبری چیانگ کای مشوک بودند، حمایت کرد. این حمایت شامل کمک‌های مالی و نظامی بود که (KMT) کای شک انجام (CCP) به منظور مقابله با نیروهای کمونیست به رهبری مائوتسه تونگ می‌شد. ایالات متحده ناسیونالیست‌ها را به عنوان نماینده قانونی چین در جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخت و تلاش کرد تا از قدرت‌گیری کمونیست‌ها جلوگیری کند. پس از پیروزی کمونیست‌ها و تسلط مائوتسه تونگ بر سرزمین چین، ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا نسبت به ناسیونالیست‌ها شک دارد و از آنها حمایت نمی‌کند، این تغییر سیاست بسیار تاثیرگذار بود و منجر به تبعید حکومت ناسیونالیست به تایوان شد. در دهه ۱۹۷۰ با

بهبود روابط ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین، سیاست چین واحد توسط ایالات متحده آمریکا اعلام شد. این سیاست به این معنا بود که ایالات متحده جمهوری خلق چین را به عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت می شناسد و تایوان را به عنوان بخشی از چین می پذیرد. این اقدام به منظور جلوگیری از تأثیرات مخرب تایوان در روابط دوجانبه انجام شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت، در سال ۱۹۷۲، رئیس جمهوری نیکسون به چین سفر کرد و پیمان شانگهای امضا شد (Wong, A, chaoyang, 26: 1996). این پیمان به بهبود روابط بین ایالات متحده و چین کمک کرد و موجب شد که ایالات متحده جمهوری خلق چین را به عنوان تنها دولت قانونی چین به رسمیت بشناسد. همچنین این پیمان به کاهش تنش ها در منطقه آسیا - پاسیفیک کمک کرد. در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده آمریکا با قطع روابط دیپلماتیک با تایوان و اعلام تعهد به خروج نیروهای خود از این جزیره، دولت جمهوری خلق را به عنوان تنها نماینده قانونی چین پذیرفت. همچنین، ایالات متحده آمریکا تصریح کرد که تایوان بخشی از چین است. این تغییرات با اعلام سیاست چین واحد همراه بود و به تثبیت روابط دوجانبه بین ایالات متحده و چین کمک کرد (Keohane Robert O, 1984: 241).

مسئله تایوان به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی بالای آن برای خطوط نفتی تجارت دریایی ایالات متحده در منطقه، به سادگی قابل حل نبوده و نیست. تایوان در موقعیت جغرافیایی حیاتی قرار دارد که واپایش آن برای هر دو کشور ایالات متحده و چین از اهمیت استراتژیک در استفاده تایوان به نفع ایالات متحده برخوردار نبود. به همین دلیل، دولت کارتر و کنگره بر سر مسئله تایوان درگیر شدند و سرانجام مجلس سنا و کنگره قانونی به شناخته (Taiwan relations act) "تصویب رساند که به نام "قانون روابط تایوان می شود. این قانون برای حمایت از تایوان و حفظ روابط آمریکا با این جزیره تنظیم شد (Gilpin 1981: ۳۰۵).

## ۵. اهمیت تایوان برای چین

تایوان از جنبه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیکی برای چین اهمیت بالایی دارد و به عنوان یکی از اولویت های اصلی سیاست داخلی و خارجی این کشور شناخته می شود. از منظر سیاسی، چین تایوان را بخشی جدایی ناپذیر از سرزمین خود می داند و اصل «یک چین» محور سیاست های رسمی و دیپلماسی این کشور است. پذیرش استقلال یا تفکیک تایوان برای پکن به معنای تهدید مستقیم حاکمیت ملی و مشروعیت سیاسی دولت مرکزی است (Barbara, 2019: 27- 26). از بعد

اقتصادی، تایوان نقش حیاتی در زنجیره تأمین جهانی دارد، به ویژه در تولید نیمه‌های و فناوری‌های پیشرفته که برای صنایع چین و سایر اقتصادهای بزرگ جهان ضروری است. کنترل یا نفوذ چین بر تایوان می‌تواند اطمینان چین از تأمین فناوری‌های کلیدی و کاهش وابستگی به واردات از کشورهای دیگر را افزایش دهد. از منظر نظامی و امنیتی، موقعیت جغرافیایی تایوان اهمیت راهبردی دارد. این جزیره در قلب دریای چین جنوبی و مسیرهای مهم دریایی آسیا-پاسفیک قرار دارد و تسلط بر آن می‌تواند توان نظامی چین در منطقه را تقویت کرده و خطوط ارتباطی و دفاعی کشور را مستحکم‌تر کند (دهشیری، محمد رضا، شایان، کهن و جوزانی، ۱۳۹۷: ۲۶). در سطح ژئوپلیتیکی، تایوان نقش یک «نقطه کانونی» برای رقابت چین با ایالات متحده و دیگر قدرت‌های منطقه‌ای دارد. کنترل بر تایوان، چین را در موقعیتی استراتژیک قرار می‌دهد تا نفوذ آمریکا و متحدانش در منطقه را محدود کرده و توازن قدرت را به نفع خود تغییر دهد (سیاری حبیب الله، رحمانی، طاهری امین ۱۳۹۷: ۱۳۹).

## ۶. ابعاد اقتصادی رقابت های آمریکا و چین بر سر تایوان

نمی‌توان نقش حیاتی تایوان در بازار جهانی نیمه‌های را بیش از حد بیان کرد. شرکت‌های تایوانی درصدی از سهم بازار تولید نیمه‌های را در اختیار دارند. شرکت تایوانی تولیدکننده نیمه‌های، TSMC، بزرگ‌ترین تولیدکننده قراردادی تراشه در جهان است و حدود ۹۰ درصد از نیمه‌های پیشرفته جهان را تولید می‌کند. هیچ شرکت دیگری نمی‌تواند تراشه‌هایی به این سطح از پیچیدگی را به صورت انبوه تولید کند. این تراشه‌ها قدرت محاسباتی را برای همه چیز از گوشی‌های هوشمند تا سلاح‌ها و خودروها فراهم می‌کنند، که بسیاری از آن‌ها برای عملکرد خود به هزاران تراشه نیاز دارند و پایه‌گذار قدرت نظامی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی هستند.

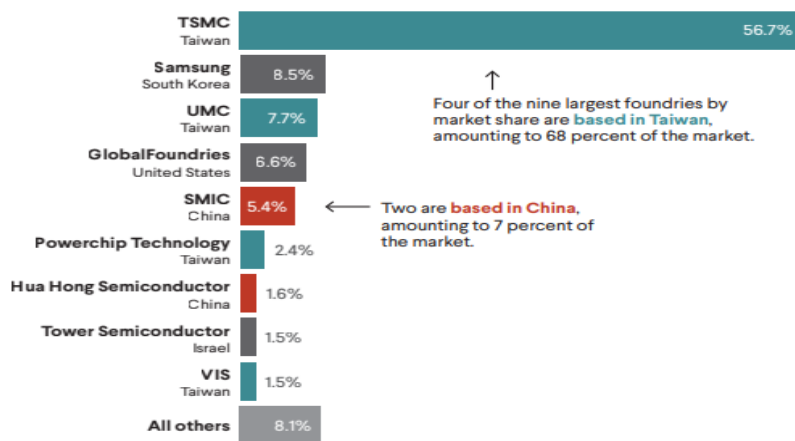
چین به شدت به تراشه‌های تولید شده در تایوان وابسته است تا محصولات خود را هم برای صادرات (مانند آیفون‌ها) و هم برای بازار داخلی خود تولید کند. در سال ۲۰۲۲، چین به ارزش ۴۱۵ میلیارد دلار نیمه‌های وارد کرد که از واردات نفت خود بیشتر بود. چین تلاش کرده است تا وابستگی خود به نیمه‌های وارداتی را با ساخت زنجیره تأمین داخلی و توسعه قهرمانان ملی نیمه‌های که قابلیت رقابت جهانی دارند، کاهش دهد. در سال ۲۰۱۴، این کشور یک صندوق سرمایه‌گذاری صنعت مدارهای یکپارچه به ارزش ۲۳ میلیارد دلار تأسیس کرد، که به عنوان صندوق بزرگ نیز شناخته می‌شود. سپس دولت‌های محلی مختلف صندوق‌های خواهر ر دیگری ایجاد کردند که در

شرکت های نیمه هادی داخلی سرمایه گذاری کردند، از جمله یک صندوق ۳۲ میلیارد دلاری که توسط دولت شهری پکن تأسیس شد (2019-12-12) OECD.

گراف شماره (۱) سهم مسلط شرکت های تایوانی در تولید نیمه هادی ها در جهان

### Led by TSMC, Taiwanese Companies Dominate the Global Semiconductor Market

Market share of semiconductor foundries, 2021



Source: CFR research.

سهم بازار کارخانه های تولید نیمه هادی (Foundries) در سال ۲۰۲۱

| شرکت                   | کشور                | سهم بازار |
|------------------------|---------------------|-----------|
| TSMC                   | تایوان              | ٪56.7     |
| Samsung                | کوریای جنوبی        | ٪8.5      |
| UMC                    | تایوان              | ٪7.7      |
| GlobalFoundries        | ایالات متحده آمریکا | ٪6.6      |
| SMIC                   | چین                 | ٪5.4      |
| Powerchip Technology   | تایوان              | ٪2.4      |
| Hua Hong Semiconductor | چین                 | ٪1.6      |
| Tower Semiconductor    | اسرائیل             | ٪1.5      |
| VIS                    | تایوان              | ٪1.5      |

| سهم بازار کشور | شرکت         |
|----------------|--------------|
| 8.1٪           | سایر شرکت‌ها |

### نگات مهم گراف:

- چهار شرکت از نه شرکت بزرگ تولیدکننده نیمه‌هادی در **تایوان** مستقر هستند که در مجموع **۶۸ درصد** بازار جهانی را در اختیار دارند.
- دو شرکت از نه شرکت بزرگ تولیدکننده نیمه‌هادی در **چین** مستقر هستند که در مجموع **۵۷ درصد** بازار جهانی را در اختیار دارند.

منبع: تحقیقات شورای روابط خارجی (CFR Research)

سال بعد، چین طرح "ساخته شده در چین ۲۰۲۵" را معرفی کرد، یک سیاست صنعتی بلندپروازانه که به طور صریح هدفی برای رسیدن به 40 درصد خودکفایی در تولید تراشه‌ها تا سال ۲۰۲۰ و ۷۰ درصد تا سال ۲۰۲۵ تعیین کرده بود. در حالی که چین سرمایه‌گذاری زیادی در توسعه تخصص نیمه‌هادی انجام داد، دو شرکت بزرگ دولتی نیمه‌هادی آن، گروه تسینگ‌هوا و شرکت بین‌المللی تولید نیمه‌هادی (SMIC)، حمایت دولتی معادل بیش از 30 درصد از درآمد سالانه خود را دریافت کردند. این تلاش‌ها تا کنون ثمره چندانی نداشته و چین نتوانسته است رقیب جدی برای TSMC تولید کند. (Edward White and Qianer Liu, 2022, 28:70) به دور از رسیدن به هدف 70 درصد خودکفایی، گزارش‌ها حاکی از آن است که خودکفایی چین در زمینه نیمه‌هادی‌ها نزدیک به ۱۶ درصد است. گزارش‌هایی از فساد جدی در "صندوق بزرگ" چین منتشر شده است. گروه تسینگ‌هوا و SMIC، که با ناکارآمدی و بدهی بالا دست و پنجه نرم می‌کنند، پیشرفت محدودی داشته‌اند. علاوه بر این، این شرکت‌ها تحت رهبری مدیران سابق TSMC قرار دارند که نشان‌دهنده ادامه وابستگی پکن به تخصص تایوانی‌ها است (Alan Crawford, Jarrell Dillard, Helene Fouquet, and Isabel Reynolds, 2021-01-25: 71).

وابستگی چین به چیپ‌های وارداتی یک آسیب‌پذیری عمده است که با کنترل‌های صادراتی ایالات متحده که در سال ۲۰۲۲ اعمال شد، تشدید شده است (Bureau of Industry and Security, 2022, 7:72). این کنترل‌ها محدودیت‌های شدیدی بر توانایی شرکت‌ها (هم آمریکایی و هم خارجی) برای فروش چیپ‌های پیشرفته و تجهیزات مورد استفاده برای تولید آن‌ها

به چین وضع کرده و از ارائه خدمات به شرکت‌های نیمه‌رسانای چین توسط افراد آمریکایی جلوگیری می‌کند. با وجود تلاش‌های فراوان، شرکت‌های نیمه‌رسانای جمهوری خلق چین به طور کامل به فناوری و تجهیزات خارجی وابسته هستند که تقریباً به طور کامل توسط ایالات متحده یا متحدان نزدیک آن تولید می‌شود و تحت این محدودیت‌ها قرار دارد. (Tsai Ing-wen, 2021: 7-6)

رئیس‌جمهور تسای، به همراه دیگران، به تسلط تایوان بر صنعت تولید نیمه‌رسانا به عنوان "سپر سیلیکونی" اشاره کرده است که چین را از حمله به این جزیره بازمی‌دارد. تحلیلگران هم نظر معتقدند که چین به قدری به چیپ‌های تایوانی وابسته است که نمی‌تواند جنگی را تحمل کند که این کارخانه‌ها را نابود کند یا آن‌ها را غیرقابل استفاده کند، زیرا چنین نتیجه‌ای اقتصاد چین را ویران خواهد کرد. با این حال، علاقه چین به اطمینان از اینکه وحدت در آینده‌ای نزدیک ممکن است، بر این ملاحظات اقتصادی غلبه دارد؛ بنابراین، اگر تایوان به طور رسمی استقلال خود را اعلام کند، چین تقریباً قطعاً حمله خواهد کرد، صرف نظر از پیامدهای اقتصادی، زیرا هزینه عظیم یک حمله را پذیرفته است. برخی موضع مخالفی اتخاذ می‌کنند و استدلال می‌کنند که تسلط تایوان بر تولید نیمه‌رساناها احتمال حمله چین را بیشتر می‌کند، زیرا اگر چین این کارخانه‌ها را تصرف کند، می‌تواند به سرعت مشکل تولید چیپ داخلی خود را حل کند و حتی این ابزار را علیه کشورهایی مانند ایالات متحده به کار گیرد (Rasmus, Jack, 2018: 9).

با این حال، تمایل چین برای دستیابی به وحدت با تایوان پیش از صنعت نیمه‌رسانا وجود داشته و نباید به توانمندی‌های نیمه‌رسانایی آن نسبت داده شود. علاوه بر این، حتی اگر چین تایوان را تصرف کند، به طور کامل قادر به اداره تأسیسات تولید تایوان (یا "قاب‌ها" به زبان صنعتی) نخواهد بود. این کارخانه‌ها نیاز به تخصص عملی عمیق دارند و مهندسان تایوان تقریباً مطمئناً در طول یک درگیری فرار خواهند کرد یا از کار برای مالکان آینده چینی خودداری خواهند کرد. این تأسیسات همچنین به دسترسی مداوم به فناوری‌ها و تجهیزات ایالات متحده و متحدان نیاز دارند تا عملکرد داشته باشند، و ایالات متحده به احتمال زیاد از ارائه هرگونه حمایتی در صورت واپایش چین بر تایوان خودداری خواهد کرد (Bonnie, 2020: 98-99).

میزان ادغام تایوان، چین و ایالات متحده از طریق زنجیره‌های تأمین جهانی و وابستگی به یکدیگر برای ورودی‌های حیاتی، به نوعی همه سه طرف را از اقدام غیرمسئولانه باز می‌دارد و به هر یک سهمی در حفظ وضعیت موجود می‌دهد. در عین حال، اگر یک رهبر چینی باور داشته باشد که

وحدت مسالمت آمیز به طور غیر قابل برگشتی از دسترس خارج شده است، ملاحظات سیاسی بر ملاحظات اقتصادی غلبه خواهد کرد (Athukorala, Prema-chandra 2017: 363).

## ۷. پیامدهای اقتصادی درگیری احتمالی میان چین و آمریکا بر سر تایوان

هر گونه درگیری بر سر تایوان اقتصاد جهانی را ویران خواهد کرد، زیرا مسیرهای حیاتی حمل و نقل را مسدود کرده، تولید و تحویل نیمه‌رساناها را متوقف می‌کند و احتمالاً تجارت بین چین و غرب را متوقف می‌سازد. طبق یک مطالعه، یک محاصره چینی بر تایوان باعث می‌شود که سالانه ۲,۵ تریلیون دالر خسارت اقتصادی جهانی به بار آورد، زیرا زنجیره‌های تأمین بی‌شماری متوقف شده و مجبور می‌شوند بدون قطعات تایوانی به پیش بروند. (Kathrin Hille and Demetri Sevastopulo, 2022, 10:74) تقریباً هر دستگاه الکترونیکی شامل چیپ‌هایی است که بسیاری از آن‌ها در تایوان تولید می‌شوند، از دست دادن دسترسی به این چیپ‌ها باعث می‌شود تولید جهانی گوشی‌های هوشمند حداقل به نصف کاهش یابد و تولید هر چیزی از کامپیوترها تا خودروها، سلاح‌ها و میکروویوها به شدت محدود شود (Deniz Barki and Lucy Deleze-Black, 2016:136). بسیاری از بزرگ‌ترین شرکت‌های آمریکایی، از اپل تا جنرال موتورز، برای تولید هر چیزی با مشکل مواجه خواهند شد. جایگزینی ظرفیت از دست رفته تایوان سال‌ها زمان خواهد برد. (<https://chinapower.csis.org/much-trade-transits-south-china-sea>).

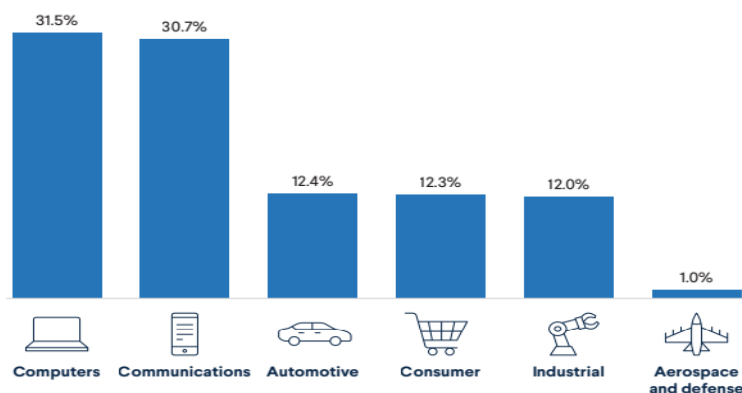
موقعیت تایوان در کنار مسیرهای اصلی حمل و نقل، به ویژه دریای چین جنوبی و دریای چین شرقی، تجارت در منطقه را در حین محاصره یا حمله به حالت توقف خواهد کشاند. درگیری بر سر تایوان همچنین به طور چشمگیری حق بیمه‌ها و هزینه‌های حمل و نقل برای شرکت‌های تجاری و تولیدکنندگان را افزایش خواهد داد. در سال ۲۰۱۶، کنفرانس سازمان ملل در مورد تجارت و توسعه (UNCTAD) تخمین نمود که حدود ۸۰ درصد از تجارت جهانی به لحاظ حجم و ۷۰ درصد به لحاظ ارزش از طریق دریا منتقل می‌شود. از این تجارت دریایی، ۶۰ درصد از آسیا عبور می‌کند و دریای چین جنوبی تقریباً یک سوم از حمل و نقل جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. مطالعه‌ای دیگر تخمین زد که در سال ۲۰۱۶، ۳,۴ تریلیون دالر تجارت از دریای چین جنوبی عبور کرده است؛ با وجود اختلالات معنادار در فعالیت‌های دریایی مرتبط با COVID-19 بین سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲، این اعداد هنوز هم به طور تقریبی دقیق هستند. تقریباً ۴۸ درصد از ۵۴۰۰ کشتی کانتینری عملیاتی جهان و ۸۸ درصد از بزرگ‌ترین کشتی‌های جهان به لحاظ تناژ در سال ۲۰۲۲ از تنگه

تایوان عبور کرده‌اند (Kevin Varley, 2022, 2:109). بیشتر، اگر نگوئیم تمام، این کشتی‌های تجاری باید در زمان درگیری مسیرهای جایگزین پیدا کنند که این امر زنجیره‌های تأمین جهانی را تحت فشار قرار داده و احتمالاً حتی آن‌ها را شکسته و عواقب بزرگی برای شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان به همراه خواهد داشت. در صورت بروز درگیری در تنگه تایوان، ایالات متحده احتمالاً به شدت چین را تحریم کرده و بیشتر تجارت با آن را متوقف خواهد کرد، چه تصمیم به مداخله نظامی به نفع تایوان بگیرد و چه نگیرد. تجارت ایالات متحده و چین در کالاها در سال 2022 به رکورد بالای نزدیک به ۷۰۰ میلیارد دلار رسید، که ایالات متحده ۵۳۷ میلیارد دلار از محصولات چینی را وارد کرده است (U.S. Census Bureau, 2023, 23). همان‌طور که پاندمی COVID-19 نشان داد، بسیاری از کالاهای تولید شده در چین، در این مورد تجهیزات حفاظت شخصی، به سختی می‌توانند به صورت گسترده از کشورهای دیگر تأمین شوند. اگر چین به تایوان حمله کند، قطع روابط تجاری ایالات متحده و چین همچنین به شدت به کسب و کارها و مصرف‌کنندگان آمریکایی آسیب خواهد زد. در حالی که بحث‌های زنده‌ای درباره اینکه آیا ایالات متحده و چین در حال حاضر در یک جنگ سرد قفل شده‌اند وجود دارد، یک جنگ داغ بر سر تایوان، خصومت بی‌پایانی را بین دو اقتصاد بزرگ جهان و دو قدرت هسته‌ای به راه خواهد انداخت.

گراف شماره (۲) اهمیت کاربرد نیمه هادی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی

#### Semiconductors Enable Modern Life and Are Critical to Economies

Semiconductor demand by end use, 2021



Source: Semiconductor Industry Association.

## ۸. مناقشه

بررسی تحقیق انجام شده در زمینه بحران تایوان نشان می‌دهد که اکثر محققان این موضوع را در قالب یک مسئله امنیتی و سیاسی منطقه ای مطالعه نموده‌اند و بیشتر بر روابط تایوان با چین، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در قبال تایوان و پیامدهای نظامی این بحران تمرکز داشته‌اند. در بسیاری از این مطالعات، بحران تایوان به عنوان یک موضوع مستقل مورد تحلیل قرار گرفته و تاثیر آن بر ابعاد گسترده‌تر روابط چین و آمریکا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در مقابل، تحقیق حاضر بحران تایوان را نه صرفاً به عنوان یک منازعه منطقه‌ای، بلکه به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روابط و رقابت‌های راهبردی میان چین و ایالات متحده آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهد. این تحقیق تلاش می‌کند تا با نگاهی جامع، ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ژئواستراتژیک بحران را در ارتباط با روابط دو قدرت بزرگ جهانی تحلیل نماید.

همچنین، تفاوت دیگر این تحقیق با مطالعات پیشین در تمرکز بر تحولات سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ است؛ دوره‌ای که همزمان با افزایش قدرت چین، تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا و تشدید رقابت‌های راهبردی میان دو کشور بوده است. از این رو، تحقیق حاضر می‌کوشد تصویری جامع‌تر از جایگاه بحران تایوان در مناسبات چین و آمریکا ارائه نموده و نقش آن را در شکل‌دهی به روندهای جدید نظام بین‌الملل تبیین نماید.

## ۹. نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شد تا تأثیر بحران تایوان بر روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بحران تایوان در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین عوامل تنش و رقابت میان چین و آمریکا تبدیل شده است. این بحران نه تنها بر روابط سیاسی و امنیتی دو کشور تأثیر گذاشته، بلکه در حوزه‌های اقتصادی و فناوریانه نیز نقش مهمی ایفا کرده است.

بررسی‌ها نشان داد که تایوان برای چین از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و دولت چین آن را بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو خود می‌داند. در مقابل، ایالات متحده آمریکا با حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی از تایوان تلاش کرده است تا نفوذ خود را در منطقه حفظ نموده و از افزایش قدرت چین جلوگیری کند. همین موضوع سبب شده است که مسئله تایوان به یکی از مهم‌ترین نقاط اختلاف میان دو کشور تبدیل شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و جو بایدن، حمایت آمریکا از تایوان افزایش یافته و این مسئله واکنش‌های شدید چین را در پی داشته است. از سوی دیگر، اهمیت اقتصادی تایوان به دلیل نقش آن در تولید نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های پیشرفته، بر حساسیت این بحران افزوده است. هرگونه بی‌ثباتی در تنگه تایوان می‌تواند زنجیره‌های تأمین جهانی و اقتصاد بین‌الملل را با مشکلات جدی مواجه سازد.

در مجموع می‌توان گفت که بحران تایوان در فاصله زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳ نقش مهمی در تشدید رقابت‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان چین و آمریکا داشته است و فرضیه اصلی تحقیق را تأیید می‌کند. به نظر می‌رسد تا زمانی که راه‌حل قابل قبولی برای مسئله تایوان پیدا نشود، این موضوع همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روابط دو کشور باقی خواهد ماند. بنابراین، مدیریت این بحران از طریق گفت‌وگو، دیپلماسی و استفاده از سازوکارهای مسالمت‌آمیز می‌تواند در کاهش تنش‌ها و حفظ ثبات منطقه‌ای و جهانی نقش مهمی داشته باشد.

#### ۱۰. پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق در خصوص بحران تایوان و تأثیر آن بر روابط چین و ایالات متحده آمریکا (۲۰۱۶-۲۰۲۳)، چند پیشنهاد علمی و عملی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱. برای سیاست‌گذاران چین و آمریکا: پیشنهاد می‌شود که هر دو کشور از تشدید اقدامات نظامی خودداری کرده و از طریق گفت‌وگوهای مستقیم یا غیرمستقیم، کانال‌های دیپلماتیک فعال‌تری ایجاد کنند تا از بروز درگیری‌های غیرقابل کنترل جلوگیری شود.
۲. برای تایوان: تقویت سیاست «متعادل‌سازی» میان چین و آمریکا می‌تواند موجب کاهش فشارها گردد. تایوان باید با مدیریت روابط خارجی خود، از افتادن کامل در مدار یکی از دو قدرت اجتناب کند تا فضای مانور بیشتری داشته باشد.
۳. برای جامعه بین‌المللی: کشورها و نهادهای چندجانبه مانند سازمان ملل و آسه‌آن می‌توانند نقش میانجی فعال‌تری در کاهش تنش‌ها ایفا کرده و از تبدیل بحران تایوان به یک درگیری جهانی جلوگیری نمایند.
۴. برای حوزه اقتصادی و فناوری: سرمایه‌گذاری بر تنوع بخشی به زنجیره‌های تأمین جهانی نیمه‌هادی‌ها می‌تواند وابستگی بیش از حد به تایوان را کاهش داده و پیامدهای اقتصادی بحران را برای جهان محدود سازد.

۵. برای تحقیقات آینده: توصیه می‌شود که تحقیقات بیشتری در زمینه سناریوهای احتمالی بحران تایوان، نقش بازیگران منطقه‌ای مانند جاپان و کوریای جنوبی، و همچنین تأثیرات بلندمدت اقتصادی این بحران انجام گیرد.

### منابع

پور، سجاد، کاظم محمد. (۱۳۸۵). سیاست خارجی آمریکا و سازمان همکاری شانگهای: ارزیابی گفتمان‌ها و پیامدها. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۰ (۴).

پور، سلیمان هادی. (۱۳۹۳). آمریکا، چین و چشم‌انداز نظام بین‌الملل. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۳۵، (۳)، ۹.

دهشیری، رضا محمد، کهن جوزانی، جوزانی، و شایان کهن، شاهین. (۱۳۹۷). اختلافات میان چین و ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی. (۲۰۱۷-۲۰۰۹) فصلنامه تحقیق‌های راهبردی سیاست، ۷ (۲۶).

سیاری، حبیب‌الله، امین، طاهر، و رحمانی، محسن. (۱۳۹۷). رقابت‌های ژئوپلیتیکی چین و آمریکا در آسیایسپاسفیک و دریای چین. تهران: نشر انتخاب.

فنی، جانانان. (۱۳۹۹). آیا چین بر قرن بیست‌ویکم سیطره خواهد یافت. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران: انتشارات ققنوس.

Athukorala, P. C. (2017). China's evolving role in global production networks: Implications for Trump's trade war. In *China's New Sources of Economic Growth*. ANU Press.

Barbara. (2019). US national security documents. *International Studies Quarterly*, 26-27.

Bartsch, B., & Stanzel, A. (2017). *Sino-US Relations in the Trump Era: A Conflict in the Making?* Trilogue Salzburg.

Bonnie. (2020). Americans' approach to China. *Journal of United States Studies*, 98-99.

Buzan, B. (2010). China in international society: Is peaceful rise possible? *The Chinese Journal of International Politics*, 3(1).

Chaoyang, W. A. (1996). Hearing on China's energy plans and practices. *U.S.-China Economic and Security Review Commission*.

- China Power Project. (2021, January 25). *How much trade transits the South China Sea?* Center for Strategic and International Studies. <https://chinapower.csis.org/much-trade-transits-south-china-sea>
- Crawford, A., Dillard, J., Fouquet, H., & Reynolds, I. (2021, January 25). *The world is dangerously dependent on Taiwan for semiconductors*. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/features/2021-01-25/the-world-is-dangerously-dependent-on-taiwan-for-semiconductors>
- Cheng, E. (2022, August 19). *China needs Taiwan's biggest chipmaker—More than the other way around*. CNBC. <https://www.cnbc.com/2022/08/17/china-needs-taiwans-biggest-chipmaker-more-than-the-other-way-around.html>
- Gilpin, R. (1981). *War and Change in World Politics*. Cambridge University Press.
- Hart, M., Economy, E. C., & Gewirtz, P. (2017). *Global Governance Issues in U.S.-China Relations: Joint US-China Think Tank Project on the Future of U.S.-China Relations*. Center for Strategic and International Studies.
- Hille, K., & Sevastopulo, D. (2022, November 10). *Europe warns a conflict over Taiwan could cause global economic shock*. Financial Times. <https://www.ft.com/content/c0b815f3-fd3e-4807-8de7-6b5f72ea8ae5>
- Keohane, R. O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*. Princeton University Press.
- Liu, Z. Z. (2022, June 16). *China is hardening itself for economic war*. Foreign Policy. <https://foreignpolicy.com/2022/06/16/china-economic-war-decoupling-united-states-containment>
- OECD. (2019). *Measuring Distortions in International Markets: The Semiconductor Value Chain* (OECD Trade Policy Papers No. 234). OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/8fe4491d-en>
- Rasmus, J. (2018). Trump's déjà vu China trade war. *World Review of Political Economy*, 9(3).
- Ross, R. S. (2013). US grand strategy, the rise of China, and US national security strategy for East Asia. *Strategic Studies Quarterly*.
- Tsai, I. W. (2021). Taiwan and the fight for democracy: A force for good in the changing international order. *Foreign Affairs*, 100(6). <https://www.foreignaffairs.com/articles/taiwan/2021-10-05/taiwan-and-fight-democracy>

- United Nations Conference on Trade and Development. (2016). *Review of Maritime Transport 2016*. United Nations. [https://unctad.org/system/files/official-document/rmt2016\\_en.pdf](https://unctad.org/system/files/official-document/rmt2016_en.pdf)
- U.S. Census Bureau. (2023). *Trade in Goods with China*. <https://www.census.gov/foreign-trade/balance/c5700.html>
- Varley, K. (2022, August 2). *Taiwan tensions raise risks in one of busiest shipping lanes*. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-08-02/taiwan-tensions-raise-risks-in-one-of-busiest-shipping-lanes>
- White, E., & Liu, Q. (2022, September 28). *China's Big Funcorruption probe casts shadow over chip sector*. Financial Times. <https://www.ft.com/content/8358e81b-f4e7-4bad-bc08-19a77035e1b4>
- Waltz, K. N. (2008). *Realism and International Politics*. Routledge.
- Yu, M., & Zhang, R. (2022). Understanding the recent Sino-U.S. trade conflict. *China Economic Journal*.
- Zhu, Z. (2006). *US-China Relations in the 21st Century: Power Transition and Peace*. Routledge